

## سیاست‌های طراحی فضای شهری جوپاره اصفهان؛ با رویکردی بر معنای محیط در دو طیف مسلمان و یهودی

محمود قلعه‌نویی<sup>۱</sup>، مجید صالحی نیا<sup>۲</sup>، سپیده پیمانفر<sup>۳\*</sup>

<sup>۱</sup> استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان

<sup>۲</sup> استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان

<sup>۳</sup> دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۸/۰۵

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۵/۰۴

### چکیده

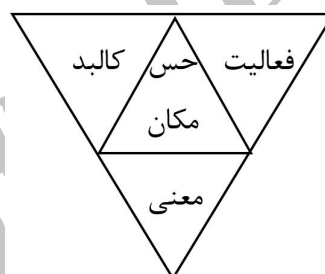
در طراحی شهری معاصر، عموماً ادراک محیط جایگزین معانی و مفاهیم محیط از دید استفاده‌کنندگان شده است. حال آن‌که معنا چیزی فراتر از ادراک است که خالی شدن طرح‌ها از آن، در ایجاد فضاهای شهری فاقد هویت، فاقد تاریخ و ارتباط، تبلور یافته است. با توجه به اهمیت مؤلفه معنا در ارتقای کیفیت فضای طراحی شده، هدف مقاله حاضر این است تا فضای شهری تاریخی جوپاره اصفهان را براساس معنای آن بین دو طیف مسلمان و یهودی ساکن، ارزیابی کرده و مبتنی بر آن، سیاست‌های طراحی ارائه دهد. برای این منظور، ابتدا معنای مکان از سه رویکرد پدیدارشناختی، اجتماعی و روان‌شناختی بررسی شده است. برای تبیین چگونگی تأثیر عوامل کالبدی و عوامل شناختی استفاده‌کنندگان بر معنای فضای شهری، مدل نظری پژوهش ترکیبی از «معنای دریافت شده»، «واقعیت موجود» و «اسکیما؛ طرح‌واره‌های ذهنی» مخاطب است. فرضیه پژوهش آن است که در تدوین سیاست‌های طراحی فضای شهری جوپاره اصفهان، دین؛ به عنوان مؤلفه مطرح در اسکیمای افراد، بر معنای ادراک شده از مکان، مؤثر است و باید مد نظر قرار گیرد. به منظور دست‌یابی به معنای فضای شهری در دو طیف مسلمان و یهودی، روش اجتماعی-نشانه‌شناختی مورد استفاده قرار گرفت. اطلاعات مورد نیاز از طریق اخذ نقشه ذهنی و پرسشنامه به دست آمد. نتایج نشان می‌دهد که تأثیر مؤلفه دین بر معنای ادراک شده بین دو طیف شهروندان، قابل توجه است. طیف یهودی غالباً به کانون‌هایی متعلق به اجتماع یهودیان مانند فضای اطراف کنیسه‌ها، دلبستگی نشان دادند و معنای فضاهای شهری چون بازار، بوستان و غیره را با کلماتی چون، شلوغ، زشت و تکراری بیان نمودند. مسلمانان معنای فضاهای شهری مورد مطالعه چون بوستان، بازار و مرکز محله را با کلماتی چون زیبا، دل‌باز و متنوع توصیف کردند. براین اساس، سیاست‌هایی ارائه شده است که می‌تواند مدلی برای آگاهی طراحان و مداخله‌گران کالبدی محیط فراهم آورد تا اقدامات خود را منطبق بر معنای دریافتی باشندگان از محیط، و با تفکر دینی منحصر به آن‌ها استوار سازند.

واژگان کلیدی: معنا، فضای شهری، جوپاره اصفهان، یهودی، مسلمان

\* E-Mail: s.paymanfar@yahoo.com

## مقدمه

از سال‌های ۱۹۷۰ میلادی به بعد با پیدایش گرایش‌های انسان‌گرایانه در نظریه‌های طراحی محیط که بر نقش فرهنگ در ادراک فضای شهری تأکید دارند، بحث «معنای محیط» با اقبال بسیار صاحب‌نظران مواجه شده است. رومالدو گیورگولا معتقد است: «وظیفه اصلی معماری دست‌یابی به معناست: محل سکونت انسان حول محور معنا می‌چرخد، نه اشیاء». میس وندروهه، پیشگام معماری فرمال بر اهمیت معنا تأکید داشت وقتی که می‌گفت: «درست است که معماری وابسته به حقایق است، اما زمینه حقیقی فعالیتش، زمینه دلالت است» (Hershberger, 1970). طراحی شهری به عنوان دانشی که به دنبال ارتقای کیفیت‌های فضایی است، با کمک معنا به عنوان یکی از سه بعد سازنده حس مکان (تصویر شماره ۱) می‌تواند در تحقق فضای شهری مطلوب برای مردم نقش مهمی ایفا نماید.



تصویر شماره ۱: مدل حس مکان از دیدگاه جان پانتر،

مأخذ: Punter, 1991

مکان‌های امروزی بدون توجه به طبیعت پیرامون و نیازهای کیفی ساخته شده‌اند و به ناگزیر برآورده‌کننده هیجان‌ها و نیازهای زودگذر کمی انسان و به دور از هرگونه معنا و خصیصه اصیل، تنها ترویج‌دهنده نامکان‌ها هستند (حبیبی، ۱۳۸۷). معنا اغلب از طریق ارتباط بین انسان‌ها و از طریق نمادسازی جمعی به وجود می‌آید. هر ژست، واژه، تصویر ذهنی و شیء می‌تواند به نمادی برای ایجاد ارتباط و خلق معنا تبدیل شود (مدنی‌پور، ۱۳۹۰: ۲۸۳). به همین خاطر طراحی با این رویکرد در جامعه چندفرهنگی می‌تواند نتایج جالب توجهی داشته باشد. در چنین جامعه‌ای افراد و گروه‌ها باید بتوانند نشانه‌ها و نمادهای هویت خود را نمایش دهند، و باید بتوانند محیط‌شان را به روشی شکل دهند که می‌خواهند نیازهایشان را برآورده سازد. گاهی این امر می‌تواند به عنوان ادعایی برای تملک قلمرو تصور شود و بنابراین سبب نگرانی دیگران می‌شود و تفکیک اجتماعی را تشدید می‌کند (پیشین: ۱۸۰ و ۱۸۲) که می‌تواند موجب ایجاد چالش در اتخاذ تصمیمات طراحی شود. از این رو، از بین اجتماعات چند فرهنگی، محله جوباره اصفهان به دلیل حضور دو طیف دینی (مسلمان و یهودی) در آن، انتخاب شد. این انتخاب به دو دلیل صورت گرفت؛ اول آن‌که در خصوص تأثیر فرهنگ در

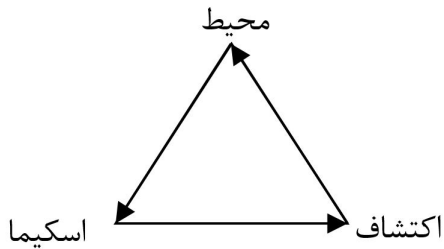
ایجاد معنای مکان و به ویژه «دین» به عنوان مؤلفه مهم فرهنگی و تأثیرش در دریافت معنای مکان از سوی معتقدان به آن، پژوهش‌های کمتری صورت پذیرفته است. دلیل دیگر آن است که محله جوباره، به دلیل برخورداری از عناصر شاخص در زمینه نشانه‌شناسی هم‌چون میدان کهنه، مسجد جامع اصفهان، همواره مورد توجه بوده است، که این مطلب نیاز به بررسی‌های بیش‌تر را می‌طلبد. فرض این پژوهش آن است که با ارائه مجموعه‌ای از سیاست‌های طراحیانه مبتنی بر نوع باور ساکنان - در این جا، دین - برای فضای شهری جوباره اصفهان که محل هم‌نشینی دو طیف دینی مسلمان و یهودی است، فضای شهری دارای کیفیت و مطلوبیت بالاتری می‌شود.

## مبانی نظری

### معنای مکان

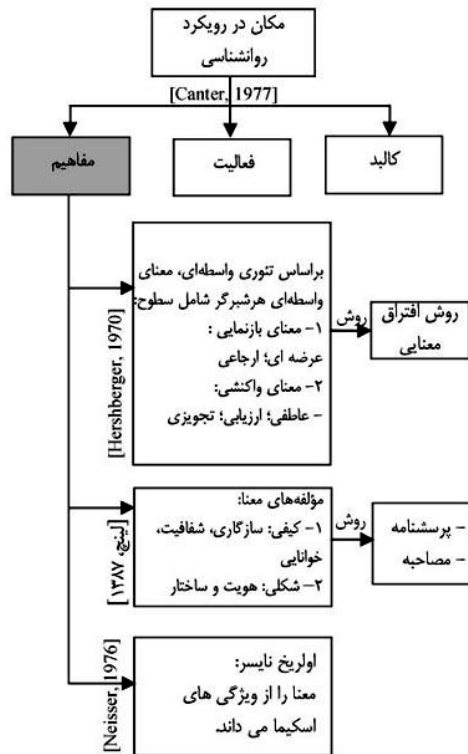
در **پدیدارشناسی**، مکان، «فضای زیسته» خوانده می‌شود؛ یعنی جایی که تهی نیست، جایی که سکنا‌گزینی را تجلی می‌بخشد و از هویت آکنده است. از این رو، مکان را می‌توان با طبقه‌بندی به «فضا» و «کاراکتر»، تجزیه و تحلیل کرد. در حالی که فضا نشان‌دهنده سازمان‌دهی سه بعدی عناصری است که مکان را می‌سازد. کاراکتر، به وجود اتمسفر عمومی مکان اشاره می‌کند که در واقع جامع‌ترین خاصیت هر مکانی است (پرتوی، ۱۳۸۷: ۲۱۸ و ۷۸). وظیفه اصلی معمار و شهرساز، ایجاد مکان‌های دارای کاراکتر خاص و واجد معنی است؛ به عبارت دیگر، بشر زمانی پایگاه وجودی خود را کسب می‌کند که مکان او واجد کاراکتر واقعی شود. از زمان‌های دور، کاراکتر محیطی، روح مکان تلقی شده است (Norberg-Schulz, 1975: 432). از نظر ادوارد رلف مکان‌ها ذاتاً کانون گردآمدن معناها هستند؛ معنایی که در تجربه‌های ما شکل گرفته‌اند. انسان‌ها چه به صورت فردی و چه گروهی با الصاق معانی به فضاها، آن‌ها را به «مکان» تبدیل می‌کنند (Carmona & Tiesdell, 2007: 101).

آگنوو، در تدوین مدل خود درباره مفهوم مکان در **علوم اجتماعی**، سه عنصر اصلی را یافت: قرارگاه، زمینه‌ای که در آن روابط اجتماعی شکل می‌گیرد (که ممکن است رسمی یا غیر رسمی باشد)؛ محل، محیط جغرافیایی که شامل زمینه‌ای برای تعاملات اجتماعی است؛ و حس مکان (Agnew, 1987: ۲۸). بنابراین مکان‌های با معنا در بستر اجتماعی، از طریق روابط اجتماعی، در محیط جغرافیایی شکل می‌گیرند و به اشخاص، حس مکان و هویت می‌دهند (Gustafson, 2001). دیدگاه علوم اجتماعی توجه را به «زندگی روزمره» در شهر معطوف می‌کند، از جمله نظریه‌پردازانی که به بررسی مکان با این رویکرد می‌پردازند، می‌توان به سه تن اشاره کرد. گاتدینر (۱۹۹۴) برای جبران کمبودهای نشانه‌شناسی، سه وجه از نشانه‌شناسی مکان



تصویر شماره ۲: چرخه معنادهی و درک محیط اولریخ،  
مأخذ: Neisser, 1976

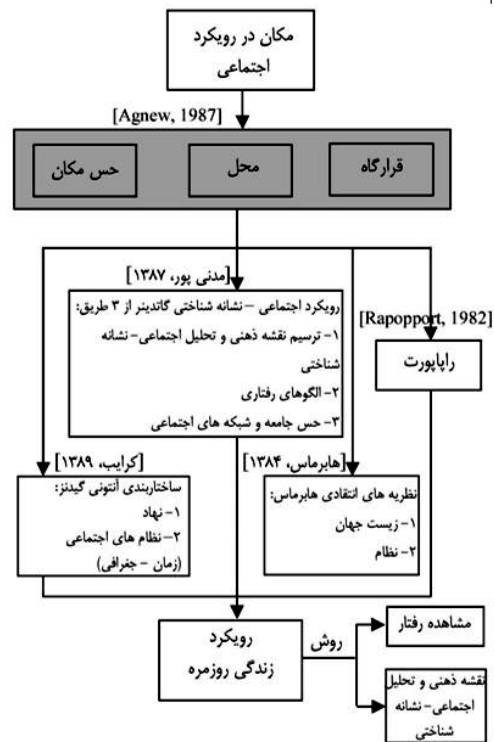
از نظر لینچ، معنی هر سکونت‌گاه، وضوح در درک و شناخت آن و سهولت برقراری پیوند بین عناصر و اجزای آن با سایر رویدادها و مکان‌ها در تجلی منسجم ذهنی از زمان و مکان و ارتباط این تجلی با مفاهیم غیرفضایی و ارزش‌ها شکل می‌گیرد (لینچ، ۱۳۸۷: ۱۶۷-۱۹۱). هرشب‌برگر مدل پایه‌ای را برای معنای معماری و فضای شهری پیشنهاد داده است. او معتقد است که انسان هیچ وقت خود اشیا یا وقایع را ثبت نمی‌کند، فقط بازنمایی‌هایی آن‌ها را ثبت می‌کند. به بیان دیگر شیء محرک در ارگانایسم انسان به عنوان ایده، تصور، مفهوم یا هرچیز دیگر بازنمود پیدا می‌کند (معنای ایزکتیو یا شیء). این بازنمایی‌ها (پاسخ‌ها) به عنوان محرک واسطه‌ای برای پاسخ واسطه‌ای دیگر عمل می‌کنند. این مدل، که «معنا» یا «فرایند بازنمود واسطه‌ای» را شامل می‌شود، ممکن است عاطفی، ارزیابی یا تجویزی باشد (معنای سویژکتیو یا ذهنی) (Hershberger, 1970).



تصویر شماره ۴: معنای مکان در رویکرد روان‌شناسی محیطی

را کنار هم می‌آورد تا نظریه جدیدی از شهرسازی، تحت عنوان «رویکرد اجتماعی- نشانه‌شناختی» ارائه دهد (مدنی پور ۱۳۸۷: ۱۰۷-۱۰۵). آنتونی گیدنز دو مؤلفه «نهاد» و «نظام‌های اجتماعی» را در نظریه ساختاربنندی خود مطرح کرده است (کرایب، ۱۳۸۹: ۱۴۹ و ۱۴۵ و ۱۸۳). هابرماس نیز دو مفهوم «جهان‌زیست» و «نظام» را مطرح می‌کند. جهان‌زیست را باید همان «جهان معنا» و کنش ارتباطی و توافق و رابطه ذهنی بین انسان‌ها دانست که مؤلفه‌های اساسی آن عبارت‌اند از فرهنگ، شخصیت و جامعه (مهدوی و مبارکی، ۱۳۸۵). راپاپورت از جمله اندیشمندان فرهنگ‌گراست که معتقد است مردم به یاری فرهنگ، یعنی مجموعه ارزش‌ها، باورها، جهان‌بینی و نظام نهادی مشترک، به محیط خود معنا می‌دهند و فضای بی‌معنا را به مکان تبدیل می‌کنند (پاکزاد، ۱۳۸۸، ۳۷۹).

در روان‌شناسی محیطی مرسوم، مکان به عنوان برآیندی از نیروهای متنوع که در لحظه خاصی از زمان بر آن تأثیر می‌گذارند، تلقی می‌شود. در این باره، دیوید کانتر مدل سه بخشی خود را برگرفته از مطالعات روان‌شناختی برای مکان پیشنهاد داد. براساس این مدل، مکان، ناشی از تعامل سه مؤلفه ویژگی‌های کالبدی، فعالیت‌ها و مفاهیم شکل می‌گیرد (Canter, 1977). مدل ارائه شده توسط اولریخ نایسر، نقش اسکیما<sup>۴</sup> یا طرح‌واره ذهنی و قابلیت‌های محیط را در فرایند ادراک نشان می‌دهد. او معنا را نیز از ویژگی‌های اسکیما می‌داند و اعتقاد دارد که آن چه در خاطره و ذهن باقی می‌ماند شیء، صحنه و رویدادی است که با نقش هدایت‌کنندگی اسکیما ادراک شده و اسکیما به نوعی درگیر استفاده و یا اصلاح شده باشد (Neisser, 1976).



تصویر شماره ۳: معنای مکان در رویکرد اجتماعی

جدول شماره ۱: سطوح معنا از نظر رابرت هرشبرگر

در این حالت ادراک کننده فرم شکل را از زمینه‌اش جدا می‌کند. شکلش، بافتش، رنگش و غیره را می‌بیند، و از ویژگی‌ها و کیفیات اشیا یا وقایع آگاه می‌شود.	۱- معنای عرضه‌ای <sup>۷</sup>	معنای بازنمایی <sup>۵</sup> (ابژکتیو)
برخی از فرم‌ها به غیر از خودشان در خصوص بازنمایی‌های ذهنی، بسیار مهم هستند. به عنوان مثال، ویژگی‌های مختلف «در» شامل اندازه، شکل، رنگ و بافت، در ناظر ایده‌های مختلفی راجع به شخصیت معماری که آن را طراحی کرده و یا نگرش نسبت به صاحبش ایجاد خواهد کرد.	۲- معنای ارجاعی <sup>۸</sup> (عملکردی)	
هنگامی که بازنمایی‌های ادراک کننده شکل گرفت، خواه از شیء محرک یا رویداد و یا هر دو، خاطرات، اهداف و ارزش‌های شخص وارد می‌شوند و او معمولاً پاسخ‌های درونی مضاعفی در ارتباط با بازنمایی‌هایش دارد. معنای عاطفی پاسخ آموخته شده براساس تجربه است، برخلاف پاسخ‌های خودکار مانند عرق‌ریزی در اتاق گرم و گشادگی مردمک در اتاق تاریک.	۳- معنای عاطفی <sup>۹</sup>	معنای واکنشی <sup>۶</sup> (سوپرژکتیو)
معنای ارزیابی، با نگرش انتقادی انسان و ایده‌های او در مورد معماری و نه با احساسات و عواطف فوری، نسبت به آن سروکار دارد. شخص ممکن است به ساختمان نگاه کند از بازنمایی‌هایش در مورد آن، هیجان‌زده و حتی خوشحال شود، اما نتیجه‌گیری او در نهایت این باشد که واقعاً ساختمان خسته کننده و نامطلوبی است.	۴- معنای ارزیابی <sup>۱۰</sup>	
در این حالت هم بازنمودهای شخص و هم اثرات‌شان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و او تصمیم می‌گیرد چه باید بکند.	۵- معنای تجویزی <sup>۱۱</sup>	

ماخذ: Hershberger, 1970

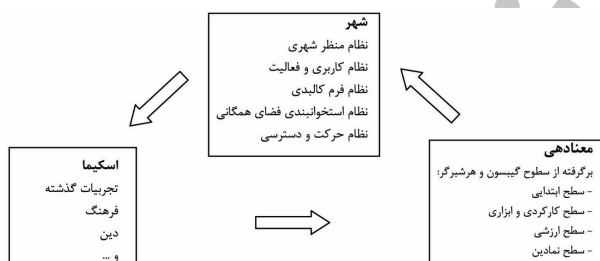
سطوح معنا

بنابر نظر هرشبرگر، معانی شامل دو سطح اصلی بازنمایی (ابژکتیو) و واکنشی (سوپرژکتیو) هستند، که هر یک زیرمجموعه‌هایی دارند و در جدول شماره ۱ آمده است.

گیبسون شکل‌گیری معنا را در شش سطح مختلف می‌داند: معنای اولیه و ملموس، معنای کاربردی، معنای ابزاری و ماشینی، معنای ارزشی و عاطفی چیزها، معنا در سطح نشانه‌ها و معنا در سطح نمادها. برای مثال، اگر ساختمانی را در نظر بگیریم، ساده‌ترین و پایین‌ترین سطح معنا همانا معنای سختی و استحکام آن است که گویای مقاومت و پایداری آن در مقابل بارهای وارده است. در دومین سطح، معنای سودمندی یا کاربردی ساختمان، قابلیت خود را در ارتباط با کاربردی غیر از کاربری اولیه خود به نمایش می‌گذارد؛ برای مثال: ساختمان بلند برای استفاده و تمرین چترپازان. در سومین سطح معنا، بنای ساختمان و یا بخشی از آن کاربرد مشخص و از پیش طراحی شده را به عهده می‌گیرد؛ مانند: پارکینگ برای توقف خودروها. سطح چهارم، معنای ارزشی و عاطفی بنای مورد نظر و یا محیط ساخته شده است. در این سطح، معنای بنا، از معنای کاربردی و یا ابزاری خود رها شده و با عواطف درونی ادراک کننده ارتباط برقرار می‌سازد. در سطح بالاتر، معنای نشانه‌ای بنا مانند «بنای آزادی» معنایی است که آن را به واسطه تاق رفیع آن به ایوان مدائن رجوع دهد. ششمین سطح، معنای نمادین و رمزی است که از طریق «تداعی معانی» با مفاهیمی که قابل لمس نیستند، به وجود می‌آید و به عوامل فرهنگی، عقیدتی، سیاسی و مذهبی مردم وابسته و ممکن است در شرایط زمانی مختلف دچار تحول گردد. (Lang, 1994: 27) معنای اولیه و ملموس گیبسون تقریباً مشابه معنای عرضه‌ای، معنا در سطح نمادها مشابه سطح ارجاعی، و معنای ارزشی و عاطفی، مشابه معنای ارزیابی هرشبرگر است (لنگ، ۱۳۹۰: ۱۰۸).

مدل نظری پژوهش

برای تبیین چگونگی تأثیر عوامل کالبدی و عوامل شناختی استفاده کنندگان بر معنای فضای شهری، مدل نظری مطابق تصویر شماره ۵ تدوین شده است که ترکیبی از «معنای ادراک شده»، «واقعیت کالبدی و فضایی موجود» و «اسکیما» مخاطب است. تمرکز مطالعه حاضر بر تفاوت دین ساکنان به عنوان اسکیما (طرح‌واره‌های ذهنی) است.



تصویر شماره ۵: مدل نظری «معنای فضای شهری»

معرفی محدوده مورد مطالعه

محور دوم جویاره اصفهان، حد فاصل خیابان کمال و میدان امام علی، با مساحتی حدود ۶ هکتار در شمال شرقی اصفهان، واقع است. همان‌طور که در تصویر شماره ۶ دیده می‌شود، ساختار شعاعی کل محله دارای یک رشته شبکه معابر شعاعی متحد‌المرکز است که هر کدام لایه‌ای از محله جویاره را در بر گرفته است. در نیم‌ساز این قطاع محورهای مزدوج جویاره وجود دارد که علاوه بر نقش ستون فقرات، به نوعی رابط بین خطوط متحد‌المرکز فوق هم تلقی می‌شود (سازمان بهسازی و نوسازی اصفهان، ۱۳۷۹: ۳). این محله علاوه بر مجاورت با مسجد جامع اصفهان، از گذشته‌های دور تاکنون محل همزیستی مسلمانان و



نقشه‌های شناختی از ویژگی‌های اصلی رفتار روزمره انسان هستند (Goledge, and Stimson, 1997, 224). شایان گفتن است که علاوه بر این روش، از روش از گود در اندازه‌گیری معنا با استفاده از صفات دو قطبی نیز می‌توان بهره گرفت.

### جمعیت آماری و نمونه‌گیری

به منظور تکمیل پرسشنامه‌ها، نمونه‌گیری از بین مسلمانان و یهودیان ساکن در جوواره، به شیوه تصادفی ساده انجام شد. حجم نمونه از فرمول مربوطه<sup>۱۲</sup>، ۱۰۰ نفر محاسبه شد که شامل ۵۰ یهودی و ۵۰ مسلمان است.

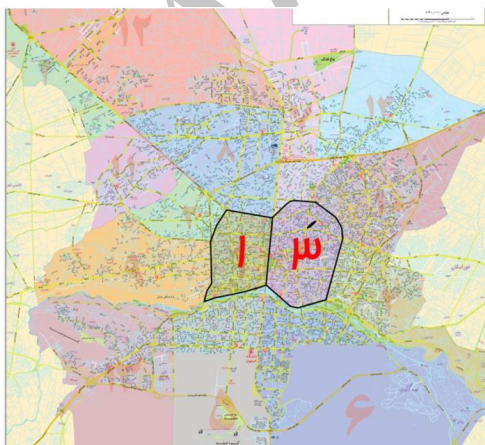
### مرور یافته‌ها

به منظور بررسی معنای فضای شهری جوواره اصفهان از دیدگاه دو طیف مسلمان و یهودی پرسش‌هایی مطرح شد. ابتدا از آنها خواسته شد تا بهترین مکان را در محله از بین گزینه‌های مطرح شده (پارک کمال، فضای اطراف کنیسه‌ها، سه‌راه ماهی فروش‌ها، بازارچه کمرزین و مسجد کمرزین و مکان‌های دیگر) انتخاب و سپس دلیل این انتخاب را با صفات پرسش شده مشخص کنند. مطابق جدول شماره ۲، تمام یهودیان، فضای اطراف کنیسه‌ها و مسلمانان به ترتیب، بازارچه کمرزین، پارک کمال و مسجد کمرزین را به عنوان بهترین فضای محله انتخاب کردند. بیش‌ترین دلیلی که یهودیان برای انتخاب خود ذکر کرده‌اند، سادگی، زیبایی، آرامش و سکون فضای شهری مورد نظر و مسلمانان دلباز بودن، سادگی، زیبایی، وسعت، پیوستگی

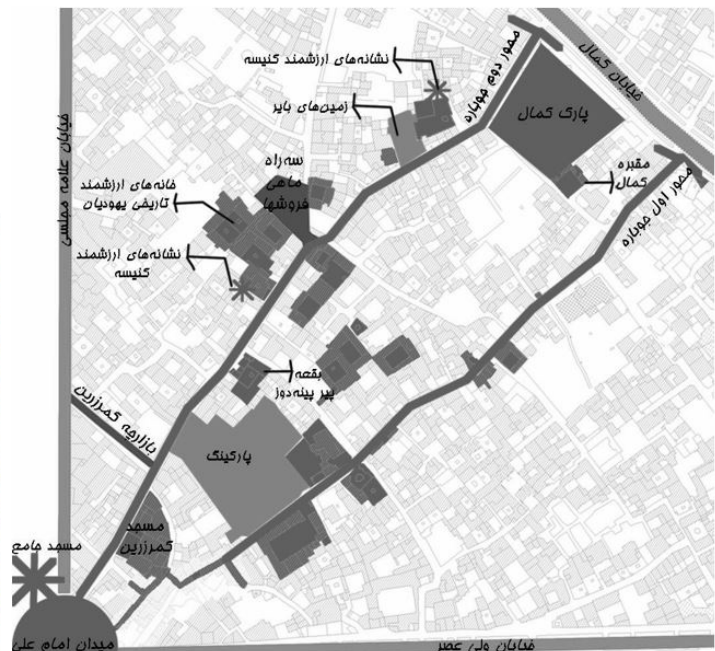
یهودیان اصفهان بوده است. در حال حاضر اغلب یهودیان از محله مهاجرت کرده و ۹۵ درصد ساکنان را مسلمان و تقریباً ۵ درصد را یهودی تشکیل می‌دهد (مؤمنی و همکاران، ۱۳۸۹).

### روش پژوهش

این پژوهش از نوع تحقیق علی-مقایسه‌ای است، چون با توجه به متغیر وابسته به بررسی علل احتمالی وقوع آن می‌پردازد. در پژوهش حاضر، متغیر وابسته، معنای ادراک شده از محیط است. در خصوص متغیرهای مستقل، تمرکز مطالعه بر تفاوت دین ساکنان است. هرچند سعی شده است که بین پاسخگویان در هر دو گروه، ترکیب سنی و جنسی همگن رعایت شود. به منظور دست‌یابی به معنای فضای شهری در دو طیف مسلمان و یهودی، روش اجتماعی-نشانه‌شناختی مورد استفاده قرار گرفت که مشتمل بر: درک محیط‌ها از طریق ترسیم نقشه‌های ذهنی و تحلیل اجتماعی-نشانه‌شناختی شهری، الگوهای رفتاری در مکان‌های عمومی و حس جامعه و شبکه‌های اجتماعی وابسته به آن (مدنی پور، ۱۳۸۷: ۱۰۷-۱۰۵) است. دو ابزار اصلی این روش، ترسیم نقشه ذهنی و پرسشنامه است. بنابر نظر گاتدینر، نتایج حاصل از نقشه ذهنی ساکنان، باید در کنار پرسشنامه‌ها مورد ارزیابی قرار گیرد، زیرا نقشه ذهنی مورد استفاده لینچ به دلیل عدم توانایی در دست‌یابی به مؤلفه معنا مورد انتقاد قرار گرفته است. تهیه نقشه شناختی، فرایندی است که در آن انسان اطلاعات مربوط به موقعیت نسبی و وضعیت محیط کالبدی را کسب کرده، رمزدار و ذخیره می‌کند، به یاد می‌آورد و رمزگشایی می‌کند.



تصویر شماره ۷: موقعیت منطقه ۱ و ۳ (مرکز تاریخی اصفهان) در شهر. محله جوواره در آن مشخص شده است. مأخذ: بازنگری طرح تفصیلی، ۱۳۸۵



تصویر شماره ۶: محور دوم جوواره و محدوده اطراف

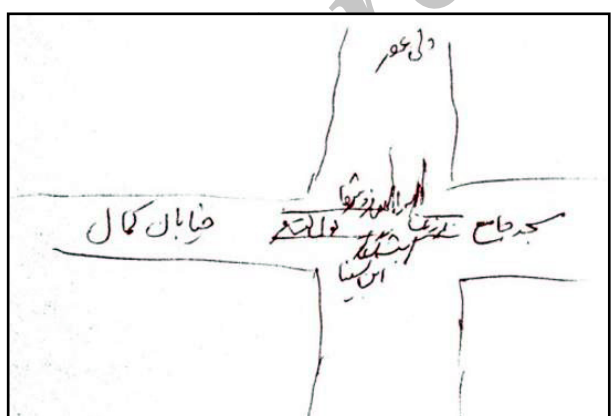
جدول شماره ۲: توزیع فراوانی بهترین و بدترین مکان در محور دوم جوواره از نظر یهودیان و مسلمانان (درصد)

مکان‌ها	بهترین مکان در محله جوواره		مکان‌ها	بدترین مکان در محله جوواره	
	یهودی	مسلمان		یهودی	مسلمان
پارک کمال	۰	۲۴	پارک کمال	۴۶	۰
فضای اطراف کنیسه‌ها	۱۰۰	۰	فضای اطراف کنیسه‌ها	۰	۲۰
سه راه ماهی فروش‌ها	۰	۰	سه راه ماهی فروش‌ها	۳۴	۸۰
بازارچه کمزرین	۰	۶۴	بازارچه کمزرین	۲۰	۰
مسجد کمزرین	۰	۱۲	مسجد کمزرین	۰	۰

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی دلیل انتخاب بهترین و بدترین مکان در محور دوم جوواره از نظر یهودیان و مسلمانان (درصد)

صفات	دلیل انتخاب بهترین مکان		صفات	دلیل انتخاب بدترین مکان	
	یهودی	مسلمان		یهودی	مسلمان
ساده	۳۴	۱۶/۶۶	پیچیده	۰	۰
زیبا	۲۸	۱۰/۴۱	زشت	۲۴	۰
وسیع	۰	۱۴/۵۸	محدود	۰	۲۰
آرامش و سکون	۲۶	۰	پویا	۲۶	۱۰
تنوع	۰	۶/۲۵	تکراری	۱۸	۱۲
دلباز	۰	۳۹/۵۸	افسرده	۰	۰
منظم	۰	۰	نامنظم	۰	۳۶
پیوسته با عناصر اطراف	۱۲	۱۲/۵	گسسته از عناصر اطراف	۰	۲۲
خلوت	۰	۰	شلوغ	۳۲	۰

برخی از ساکنان به پارکینگ‌ها نیز اشاره کردند. بسیاری از ساکنان در محور دوم جوواره، محله خود را به نام سنتی آن «کوی لت فر» می‌شناختند که در ارائه سیاست‌های طراحی باید مد نظر قرار گیرد. در نقشه‌های ذهنی ترسیم شده توسط یهودیان، توجه به اجتماع یهود به چشم می‌آید؛ به عنوان مثال در تصویر شماره ۸، شخص، کل محله را یک چهارراه دیده و محل زندگی خود را در مرکز قرار داده و در تصویر شماره ۹، تأکید خاصی بر دو خانواده یهودی ساکن در آن منطقه شده است.



تصویر شماره ۸: نقشه ذهنی ترسیم شده از محور دوم جوواره اصفهان توسط یهودی

با عناصر اطراف بوده است. در پرسشی دیگر، همین دو پرسش در مورد بدترین مکان مطرح شد. مطابق جدول‌های شماره ۲ و ۳، یهودیان به ترتیب پارک کمال، سه راه ماهی فروش‌ها و بازارچه کمزرین را به دلیل شلوغی، پویایی، زشتی و تکراری بودن، و مسلمانان، سه راه ماهی فروش‌ها و فضای اطراف کنیسه‌ها را به با صفاتی چون نامنظم، گسسته و محدود بودن، عنوان بدترین مکان محله جوواره معرفی کرده‌اند.

در انتهای پرسشنامه از افراد پرسیده شد که در فضای شهری چه فعالیت‌هایی را با هم محلی‌های خود انجام می‌دهند، و آیا این فعالیت‌ها فقط با هم کیشان انجام می‌شود یا (یهودی و مسلمان) با هم؟ پاسخ‌دهندگان مسلمان، به فعالیت‌های ایام عزاداری محرم اشاره داشتند که فقط مسلمانان در آن شرکت دارند. ولی یهودیان عنوان کردند که هیچ فعالیت‌هایی را در فضای شهری با سایر هم‌محلی‌ها انجام نمی‌دهند، و فعالیت‌شان با سایر هم‌کیشان در کنیسه متمرکز است. آخرین سؤال پرسشنامه، این بود که نقشه محله خود را ترسیم کنید و عناصر شاخص محله را روی آن نشان دهید. براساس نتایج به دست آمده از هر دو طیف، کانون‌هایی چون میدان امام علی و مسجد جامع در سمت جنوب غربی، پارک کمال در سمت شمال شرقی، و سه راه ماهی فروش‌ها در وسط محله، شاخص‌ترین عناصر هستند، سپس مسجد کمزرین، بازارچه کمزرین و کنیسه‌ها بیش‌ترین سهم را در ترسیم نقشه ذهنی ساکنان بر عهده داشتند.

به انسجام بیش تر فضاهای متعلق به اقلیت دینی کمک خواهد کرد. به عنوان مثال، برای احترام به مرز قلمروهای متعلق به این طیف دینی، می‌توان با اختصاص بخشی از فضای عمومی در بین دو کنیسه به فضای سبز (مطابق تصویر شماره ۱۲) به منظور:

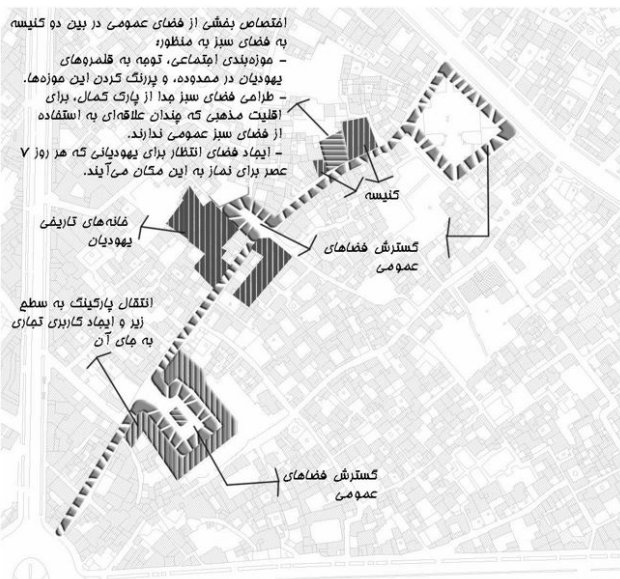
- ایجاد فضای انتظار برای یهودیانی که هر روز ساعت ۷ عصر برای نماز به این مکان می‌آیند.

- طراحی فضای سبز جدا از بوستان کمال، برای اقلیت مذهبی که چندان علاقه‌ای به استفاده از فضای سبز عمومی ندارند، اقدام کرد.

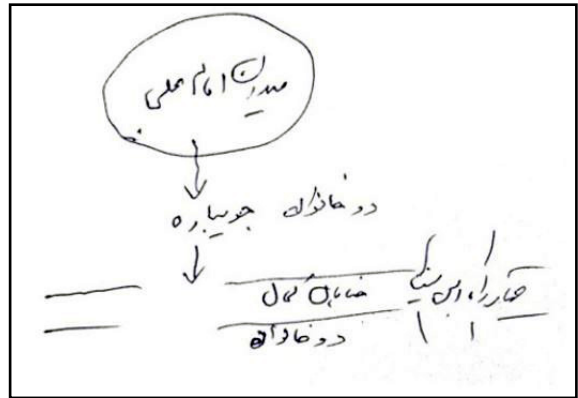
از طرفی چارچوب طراحی شهری برای مسلمانان که بیش تر به فضاهای عمومی گرایش داشتند و معنای قرارگاه‌های رفتاری مورد مطالعه چون بوستان، بازار و مرکز محله را با کلماتی چون زیبا، دل‌باز و متنوع بیان کردند، سعی در گسترش فضاهای عمومی محور دوم جوپاره خواهد داشت. به عنوان مثال، پیشنهاد انتقال پارکینگ به سطح زیر و ایجاد کاربری تجاری به جای آن، و هم‌چنین سامان‌دهی سه راه ماهی فروش‌ها که می‌تواند به عنوان مرکز قوی محله نقش آفرینی کند (مطابق تصویر شماره ۱۲).

### سیاست‌های طراحی

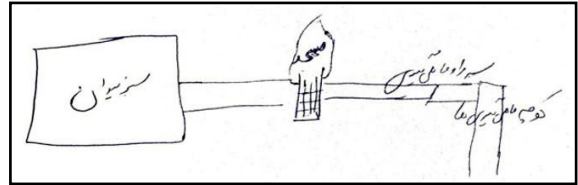
از آن‌جا که هدف کلان این پژوهش، تعریف محوردوم جوپاره اصفهان با قابلیت معناگرایی از نظر مسلمانان و یهودیان است، بر اساس مدل نظری ارائه شده، به اهداف خردی چون طراحی محوری با قابلیت معناگرایی در سطح ابتدایی، در سطح کارکردی و ابزاری، در سطح ارزشی و در سطح نمادین قابل تقسیم است. با توجه به معنای فضای شهری جوپاره اصفهان، در بین دو طیف دینی، سیاست‌های طراحی به شکلی که در جدول شماره ۴ آمده است، پیشنهاد داده می‌شود. سیاست‌هایی که ناشی از معنای اخذ شده از یکی از دو طیف دینی ساکن است با عنوان مسلمان/یهودی مشخص شده است.



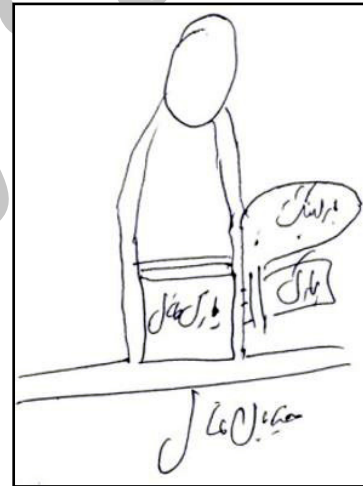
تصویر شماره ۱۲: چارچوب طراحی شهری محور دوم جوپاره اصفهان، براساس معنای فضای شهری در دو طیف مسلمان و یهودی



تصویر شماره ۹: نقشه ذهنی ترسیم شده از محور دوم جوپاره اصفهان توسط یهودی



تصویر شماره ۱۰: نقشه ذهنی ترسیم شده از محور دوم جوپاره اصفهان توسط مسلمان



تصویر شماره ۱۱: نقشه ذهنی ترسیم شده از محور دوم جوپاره اصفهان توسط مسلمان

### چارچوب طراحی شهری

بر اساس نتایج حاصل از اخذ معنای فضای شهری محور دوم جوپاره در دو طیف مسلمان و یهودی، چارچوب طراحی شهری آن ارائه شده است. چارچوب طراحی شهری سندی است که چگونگی به اجرا درآوردن سیاست‌ها و اصول طراحی را در مقیاس «ناحیه خاص» تشریح می‌کند و مصور می‌سازد. چارچوب طراحی شهری شامل یک چشم‌انداز دو بعدی از زیرساخت‌های مورد نیاز آینده ناحیه است (کوان، ۱۳۸۵: ۱۶). از آن‌جا که طیف یهودی غالباً به کانون‌هایی متعلق به اجتماع یهودیان مانند فضای اطراف کنیسه‌ها، دلبستگی نشان دادند و فضاهای عمومی هم‌چون بازار و بوستان را با کلماتی چون، شلوغ، زشت و تکراری توصیف نمودند، چارچوب طراحی شهری محور دوم جوپاره در نزدیکی فضاهای متعلق به یهودیان،



جدول شماره ۴: سیاست‌های طراحی محور دوم جوپاره اصفهان براساس رویکرد معناگرایی

سطح	نظام منظر شهری	نظام کاربری و فعالیت	نظام استخوان‌بندی فضای همگانی	نظام حرکت و دسترسی
سطح ابتدایی	۱- از بین بردن گسست‌ها (در جداره، کف و مبلمان از نظر مصالح، رنگ و ...) ۲- نورپردازی مناسب فضاها	۱- از بین بردن گسست‌ها (زمین‌های بایر، فعالیت‌های نامناسب و ...) ۲- ایجاد اختلاط کاربری در مراکز محله	۱- ایجاد قرارگاه‌های رفتاری به عنوان مکان مکث و تعامل (مسلمان) ۲- استفاده از کلیه تسهیلات به منظور ارتقای کیفیت فضاهای شهری	۱- اولویت‌بخشی به حضور پیاده و به حداقل رساندن حضور ماشین در فضا ۲- در نظرگیری تسهیلات استراحت در فضای مکث پیاده
سطح کارکردی و ابزاری	۱- پرهیز از ایجاد اغتشاش بصری با استفاده بی‌ضابطه از تابلوها و کولرها و ... ۲- یکپارچگی کالبدی از نظر مصالح، بافت، رنگ و ... در انطباق با بستر اطراف ۳- توجه به ریتم جداره‌ها چه از نظر ارتفاعی و چه از نظر وزنه‌های افقی و عمودی، برجستگی و فرورفتگیها ۴- به کارگیری مبلمان مناسب با بستر	۱- حذف و تعدیل کاربری‌های ناسازگار، مثل کارگاه، پارکینگ، انبار و ... ۲- رونق و سرزندگی بستر با ایجاد فعالیت‌های جدید سازگار با بستر، فعالیت‌هایی در راستای جذب توریست و ... (مسلمان) ۳- مناسب‌سازی فضا به منظور جذب افراد متفاوت (مسلمان) ۴- در نظرگیری کاربری‌های تفریحی در سایت (مسلمان) ۵- استفاده از زمین‌های بایر به منظور ارتقای کیفیت محیط	۱- توجه به جهت‌یابی فضا (با تأکید بر کانون‌های ارجاعی در سایت) ۲- به کاربردن سبزی‌نگی در قرارگاه‌های رفتاری	۱- ایجاد فضاهای مکث در طول مسیر برای گفت‌وگو و تعامل اجتماعی (مسلمان) ۲- استفاده از گیاهان سایه‌انداز در معابر ۳- توجه به تناسب و مقیاس انسانی
سطح ارزشی	۱- توجه به کریدرهای بصری سایت مانند پوشش گیاهی، نشانه‌های شاخص و ... ۲- مرمت دانه‌های ارزشمند تاریخی ۳- تأمین تنوع در عین انسجام در نظام منظر شهری ۴- توجه به مقیاس انسانی ۵- ایجاد فضای مکث در نقاطی که دید مطلوب دارند (بناهای ارزشمند تاریخی در طول مسیر، فضاهای سبز و ...) (مسلمان) ۶- ایجاد ورودی‌های جذاب و دعوت‌کننده (مسلمان)	۱- ایجاد هم‌پیوندی بین کاربری‌های ارزشمند موجود (بازارچه کم‌رزین، فضاهای سبز، بناهای ارزشمند تاریخی، بناهای دینی و ...) (مسلمان) ۲- توجه به کالبدهایی که با روح فرهنگ و هویت ساکنان عجین است، مکانهای دینی/ بازار و ... ۳- احیای دانه‌های ارزشمند سایت در صورت امکان و در غیر این صورت تزیین عملکردهای جدید متناسب با بستر (مسلمان) ۴- طراحی فضا با به کارگیری مبلمان خاص، برای ایجاد ظرفیت فعالیت‌های فردی و جمعی (مسلمان)	۱- حفظ ماهیت ارگانیک سایت (ساختار شعاعی محله و حضور محور به عنوان ستون فقرات این ساختار شعاعی) ۲- اصلاح ساختار با تأکید بر عناصر ارزشمند ۳- استفاده از همه ظرفیت‌های سایت: تقویت گره‌ها، تقویت حوزه‌ها و ... (مسلمان) ۴- تعیین مرز قلمروها (به خصوص تعریف قلمرو پهلویدان)	۱- توجه به نوع مصالح و هویت‌بخشی به مسیر ۲- ایجاد نقاط مکث در نقاطی با کالبد باارزش (مسلمان)
سطح نمادین	۱- توجه به عناصر نمادین کالبد مثل نورگیر بالای کنیسه‌ها، مناره‌ها و ... ۲- توجه به نورپردازی و منظر شب با تأثیرات نشانه‌ای ۳- قرار دادن منظره در قاب خاص ۴- ایجاد یک‌مرتبگی برای تقویت خاطر‌انگیزی	۱- ایجاد امکان برگزاری مراسم ملی و آیینی (مسلمان) ۲- حفظ کاربری‌هایی که با غنای بویایی به خاطره‌انگیزی کمک می‌نمایند (کبابی، عطاری، ادویه فروشی و ...) ۳- حفظ غنای صوتی	۱- توجه به نام‌ها، علائم و نشانه‌ها ۲- امکان برگزاری مراسم و رویدادهای فرهنگی در فضاهای عمومی (مسلمان) ۳- توجه به عناصر نمادین کالبد مثل نورگیر بالای کنیسه‌ها، مناره‌ها و ... ۴- تعریف سناریویی از توالی فضاهای شهری برای ایجاد خاطره‌انگیزی	۱- در نظرگیری رویدادهایی در امتداد مسیر

### نتیجه‌گیری

می‌توان نتیجه گرفت، معنای دریافت شده از فضاهای شهری که می‌تواند از سطح ابتدایی تا کارکردی و ابزاری، ارزشی و نمادین دسته‌بندی شود، حاصل «پیش‌زمینه‌های ذهنی استفاده‌کنندگان» است که در این پژوهش با عنوان اسکیمای آن یاد شد و در

گزاره‌هایی چون خاطرات گذشته، دین و سنت نمود دارد. از سوی دیگر، این عامل متأثر از مؤلفه‌های بیرونی «نظام‌های فضای شهری» هم‌چون منظر شهری، کاربری و فعالیت، استخوان‌بندی فضای همگانی و حرکت و دسترسی است. به بیان دیگر، معنا امری از پیش تعیین شده نیست، بلکه از تعامل انسان با مکان زندگی



که از تکمیل پرسشنامه در یک گروه ۱۰ نفره پیش‌نمونه به دست آمد،  $e$  تفاوت میان آن پارامتر و برآورد آن پارامتر است و در اینجا برابر با  $e=0.2$  است (بازرگان و دیگران، ۱۳۷۷: ۱۸۷).

### فهرست منابع و مراجع

۱. بازرگان، عباس؛ سرمد، زهره سرمد، و حجازی، الهه (۱۳۷۷)، **روش‌های تحقیق در علوم رفتاری**، دفتر نشر آگاه، چاپ اول، تهران.
۲. پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۸)، **سیر اندیشه‌ها در شهرسازی ۳**، انتشارات شهیدی، چاپ اول، تهران.
۳. پرتوی، پروین (۱۳۸۷)، **پدیدارشناسی مکان**، انتشارات فرهنگستان هنر، چاپ اول، تهران.
۴. حبیبی، رعنا سادات (۱۳۸۷)، «تصویرهای ذهنی و مفهوم مکان»، **نشریه هنرهای زیبا**، پاییز ۸۷، شماره ۳۵.
۵. کرایب، یان (۱۳۸۹)، **نظریه اجتماعی مدرن: از پارسونز تا هابرماس**، ترجمه عباس مخبر، نشر آگه، چاپ ششم، تهران.
۶. کوان، رابرت (۱۳۸۸)، **اسناد هدایت طراحی شهری**، ترجمه کورش گلکاره و سولماز حسین‌نوی، انتشارات اسلیمی، چاپ اول، تهران.
۷. سازمان بهسازی و نوسازی اصفهان، (۱۳۷۹)، **گزارش محور گردشگری جویاره**، سازمان بهسازی و نوسازی اصفهان.
۸. لنگ، جان (۱۳۹۰)، **آفرینش نظریه معماری، نقش علوم رفتاری در طراحی محیط**، ترجمه علیرضا عینی‌فر، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ پنجم، تهران.
۹. لینچ، کوین (۱۳۸۷)، **تئوری شکل خوب شهر**، ترجمه سید حسین بحرینی، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ چهارم، تهران.
۱۰. مدنی‌پور، علی (۱۳۸۷)، **طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرآیند اجتماعی و مکانی**، ترجمه فرهاد مرتضایی، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، چاپ سوم، تهران.
۱۱. مدنی‌پور، علی (۱۳۹۰)، **طراحی شهری خرد**، مبانی و چارچوبها، ترجمه بهادر زمانی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران.
۱۲. مؤمنی، مهدی؛ محمدی، حسن بیگ، و مهدی‌زاده زهره (۱۳۸۹)، «تحلیلی بر طرح‌های احیا و نوسازی بافت‌های فرسوده نمونه موردی محله جویاره اصفهان»، **نشریه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای**، سال دوم، شماره ۷، زمستان ۸۹.
۱۳. مهدوی، محمدصادق، و مبارکی، محمد (۱۳۸۵)، «تحلیل نظریه کنش ارتباطی هابرماس»، **فصلنامه علمی و پژوهشی علوم اجتماعی**، بهار ۸۵، شماره ۸.
۱۴. مهندسین مشاور باوند، (۱۳۸۵)، «**بازنگری طرح تفصیلی اصفهان، منطقه ۳ شهرداری اصفهان**».
15. Agnew, John. A. (1987), *place and Politics: The Geographical Mediation Of State and Society* Allen & Anwin, Boston.
16. Carmona, Mathew, & Tiesdell, Steve (2007), *Urban design reader: The dimation of urban design*, Architecture Press.
17. Canter, David (1977), *The Psychology of Place*, Architectural Press, London.
18. Goledge, Reginald, G., & Stimson, Robert J. (1997), *Spatial behavior: a geographic perspective*, Guilford press, New York.
19. Gustafson, Per (2001), "Meaning of Place: Everyday Experience And Theoretical Conceptualizations", *Journal of Environmental Psychology*, March 2001, 21(1).

روزمره ایجاد می‌شود. به این ترتیب فرد به مکانی که در آن زندگی می‌کند، مجموعه‌ای از تصورات دریافت شده قبلی را می‌دهد، این تصورات، چگونگی پاسخ او را به محیط شکل می‌دهند. در این پژوهش که بر سیاست‌های طراحی فضای شهری جویاره اصفهان براساس تفاوت معنای محیط در دو طیف مسلمان و یهودی استوار بود، از آن‌جا که طیف یهودی دلبستگی بیش‌تری به کانون‌های متعلق به اجتماع یهود (هم‌چون فضای اطراف کنیسه‌ها) داشتند و معنای آن را با کلماتی چون دارای آرامش و سکون و زیبا بیان نمودند، ما به ازای طراحی آن در فضای شهری احیای دانه‌های ارزشمند تاریخی یهودیان و احترام به مرز قلمروهای متعلق به این طیف دینی در نظر گرفته شد. از طرف دیگر، از آن‌جا که طیف مسلمان که فضاهای شهری چون بوستان، بازار و مرکز محله را با معنای چون زیبا، دل‌باز و متنوع توصیف کردند. نمود آن در فرایند طراحی، اقدام در جهت رونق و سرزندگی قرارگاه‌ها، امکان برگزاری مراسم و رویدادهای فرهنگی در فضاهای شهری و مناسب‌سازی فضا برای جذب گردشگر پیشنهاد داده شد که بسته به «نظام‌های شهر» و «سطوح مختلفی» که عنوان شد، قابل طرح است. با توجه به نتایج حاصل از پیمایش، پژوهشگران معتقدند احترام به مرز قلمروهای یهودیان در این فضای شهری و ایجاد امکان انتخاب برای تعامل با دیگر هم‌محله‌ای‌ها می‌تواند زمینه تقویت همگرایی بین مسلمانان و یهودیان را فراهم آورد.

### پی‌نوشت‌ها

- 1) Locale
- 2) Location
- 3) Sense of place

۴) اسکیمای شبکه‌ای از اطلاعات است که کارکرد آن‌ها، سازمان‌دهی دانش یا تجربه‌های فردی است. چارچوب‌هایی که در حافظه بلندمدت، از طریق تشخیص فرد از شباهت‌ها و تکرار در تجربه‌های اجتماعی و اخلاقی آن فرد شکل می‌گیرند، نیز اسکیمای هستند که تحت تأثیر تحصیلات نیز قرار دارد (Leilani, Bock & Narveaz, 2003)

- 5) Representational Meaning
- 6) Responsive Meaning
- 7) Presentational Meaning
- 8) Referential Meaning
- 9) Affective Meaning
- 10) Evaluative Meaning
- 11) Prescriptive Meaning

$$n = \frac{Z_{\alpha/2}^2 \delta^2}{e^2} - 12$$

که در آن  $n$  حجم نمونه،  $Z$  مقدار متغیر نرمال واحد متناظر با سطح اطمینان  $1-\alpha$  در اینجا با خطای قابل قبول  $0.05$ ،  $Z=1.96$  می‌باشد.  $\delta^2$  واریانس متغیر مورد مطالعه و در اینجا برابر  $1,04$  است،

20. Hershberger, Robert G., (1970), "Architecture and Meaning", Journal of Aesthetic Education October 1970,4(4).
21. Lang, John (1994), Urban Design: The American Experience, Van Nostrand Reinhold, New York.
22. Leilani, Endicott; Bock, Tonia & Narveaz, Darcia (2003), "Moral reasoning, intercultural development and multicultural experiences: relations and cognitive underpinning", International journal of intercultural relations, July 2003, 27(4).
23. Neisser, Ulric (1976), "Cognition and Reality", Freeman, San Francisco.
24. Norberg-Schulz, Christian, (1975), "Meaning in Western Architecture", Rizzoli, New York.
25. Punter, John (1991), "Participation in the design of urban space", Landscape design, 200:24-27.
26. Rapoport, Amos (1982), "The Meaning of the Built Environment, A Nonverbal Communication Approach", SAGE publication.

Archive of SID